

# پژوهش‌های حقوقی

شماره ۵

هزار و سیصد و هشتاد و سه - نیمسال اول

## مقالات

- چالش‌های ورود کشورهای اسلامی به نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی با تأکید بر ایران
- علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی
- تفسیر قضائی قانون اساسی در رویه دیوان عدالت اداری
- ساخت دیوار حائل در سرزمین اشغالی فلسطین: دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان حافظ صلح و امنیت بین‌المللی
- قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۴ و عملکرد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آزمون اجرای حقوق بین‌الملل
- جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل (Buy Back)
- حمایت از حق ثبت اختراعات در سازمان جهانی تجارت
- شیوه‌های جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
- تعقیب کیفری کارگزاران عالی رتبه دولت‌ها در دادگاه‌های داخلی به اتهام ارتکاب جرائم بین‌المللی (دعوی کنکو علیه بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری)

## موضوع ویژه: نارسایی‌های حقوق شرکت‌های تجاری در ایران

- میزگرد راجع به ابعاد حقوقی سرمایه در شرکت‌های سهامی
- طرح پیشنهادی اصلاح ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت راجع به سرمایه اسمی شرکت
- حقوق سهامداران اقلیت در ادغام شرکت‌های تجاری
- نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌های سهامی عام توسط نهادهای دولتی در حقوق انگلیس و ایران
- تشریفات قانونی انتقال سهام در شرکت‌های سهامی

## نقد و معرفی

- تأملی بر قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت در مورد حاکمیت لبنان و خروج نیروهای بیگانه از این کشور





[http://jlr.sdil.ac.ir/article\\_44725.html](http://jlr.sdil.ac.ir/article_44725.html)

میزگرد راجع به

## ابعاد حقوقی سرمایه در شرکت‌های سهامی

با حضور آقایان:

دکتر بهروز اخلاقی (دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)،  
دکتر محمود عرفانی (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)،  
اسمعیل مصباح اسکویی (وکیل پایه یک دادگستری).

طرح پرسش‌ها توسط آقایان:

دکتر وحید اشتیاق (مدیر مسئول مجله پژوهش‌های حقوقی)،  
دکتر علی اسلامی‌پناه (استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران).

### اشاره

در ایران، شرکت‌های سهامی به عنوان رایج‌ترین شرکت‌های تجاری در عرصه فعالیت‌های بازرگانی و یکی از شاخص‌ترین انواع شرکت‌های سرمایه در حقوق تجارت شناخته می‌شوند. با این حال، دلایل تعیین حداقل سرمایه برای شرکت‌های سهامی عام و خاص و عدم انطباق مبالغ آن با اوضاع اقتصادی کنونی و نیز سایر ابعاد حقوقی و اقتصادی سرمایه در شرکت‌های سهامی کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. در میزگرد مورخ ۱۳۸۳/۳/۲۷ که گزارش آن ارائه می‌شود تلاش شده است تا ابعاد حقوقی سرمایه در شرکت‌های سهامی مورد بررسی قرار گیرد. در خاتمه نیز «طرح اصلاح ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت راجع به سرمایه اسمی شرکت‌های سهامی» پیشنهاد شده است.

**دکتر اسلامی پناه:** همان‌طور که مستحضرید ماده ۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت حداقل سرمایه برای شرکت‌های سهامی خاص را یک میلیون ریال و برای شرکت‌های سهامی عام پنج میلیون ریال تعیین کرده است. این حداقل در آن زمان بر اساس چه معیاری بوده و امروز بر پایه همان معیار چه اعدادی قابل قبول است؟ آیا عدم تغییر این رقم از سال ۱۳۴۷ تا کنون عوارضی را داشته یا نه؟

**دکتر اخلاقی:** معیار تعیین این حداقل بر ما پوشیده است و نمی‌دانیم آنها که در آن جلسات نشسته‌اند بحث کرده‌اند چه معیار و میزانی را مد نظر داشته‌اند ولی می‌توان حدس زد که جریان از چه قرار بوده است. در آن موقع بر سر دو مسأله بحث وجود داشت که حداقل میزان سرمایه یک شرکت سهامی - چه خاص و چه عام - چه مبلغ قرار داده شود که تالی فاسد نداشته باشد، به این معنا که تعیین رقم بالا مانع از تشکیل شرکت نشود و پیش‌بینی رقم پائین باعث سیل درخواست ثبت شرکت‌ها نگردد. در آن زمان (حدود ۳۶ سال پیش) به رقم یک میلیون ریال رسیدند و گفتند اجازه ندهیم یک شرکت سهامی خاص با کمتر از این سرمایه تشکیل شود رقمی که الان شاید مضحک به نظر آید ولی در آن موقع صد هزار تومان رقم معتناهی بوده است. حقیقت مطلب این یک بحث اقتصادی - تجاری است که شاید از حیثه تخصص ما خارج باشد ولی اگر الان بخواهیم بر همان معیار حرکت کنیم باید بگوئیم یک میلیون تومان. حتی ممکن است که یک میلیون تومان هم اشتباه باشد یعنی اگر ارزش یک ملک در آن زمان صد هزار تومان بوده برگردانیم به الان ببینیم الان چقدر است. اما در مورد اینکه عدم تغییر آن از سال ۱۳۴۷ تا کنون چه عوارضی داشته است باید گفت که باعث شده که هر کس به سادگی بتواند شرکت ثبت کند. در اداره ثبت شرکت‌ها، شرکت‌های سهامی خاص به سادگی با چند ورقه که در اختیارشان است همه چیز هم فرم است به ثبت می‌رسند. اکثراً هم شاید شرکت‌های خدماتی باشند (البته آمار نداریم) که منشأ اثر اقتصادی چندانی نیستند و مثل قارچ سبز شدند و به زندگی اقتصادی عقیم خودشان ادامه می‌دهند.

**دکتر عرفانی:** اصولاً در دنیای امروز شرکت سهامی عام خیلی مهم است و این‌گونه شرکت‌ها در واقع ستون فقرات اقتصاد کشور هستند. اینها سرمایه‌های اولیه‌شان خیلی سنگین است منطقی هم هست زیرا الان شرکت‌هایی داریم که هفتاد میلیارد دلار سرمایه‌شان است. همچنین، برای جلب اعتماد مردم و وثوق در بازرگانی بین‌المللی پیش‌بینی شده که اشخاصی که به تأسیس شرکت سهامی عام مبادرت می‌ورزند در واقع یک سرمایه اولیه داشته باشند و حتماً بخش عمده آن را از طریق مردم تهیه کنند یعنی مردم سهام شرکت‌های سهامی عام را پذیره‌نویسی کنند. در حقوق ما هم آن زمان پنج میلیون ریال که در ماده ۵ آمده به نظر من منطقی بوده چون در آن زمان زمین متری مثلاً یک تومان بوده و تهیه این مبلغ برای هر کسی میسر نبوده است. اما اکنون با این نصاب تعیین شده، عوارض آن ازدیاد ثبت شرکت‌های فراوان است. اینک در کشور، حدود پانصد هزار شرکت داریم که ثبت شده است، چهارصد هزار آن سهامی عام و خاص با مسئولیت محدود و تعاونی. به نظر من اصلاح قانون ضروری است.

**آقای مصباح اسکویی:** در قانون تجارت سابق تا قبل از سال ۱۳۴۷ که قانون لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت تصویب شد، محدودیتی نداشتیم، همانند اکثر کشورها که هم اکنون محدودیت‌هایی ندارند. اما امروزه تشریفات تأسیس شرکت سهامی یا دیگر شرکت‌ها بسیار سهل و ساده است. مثلاً برای افتتاح حساب بانکی به نام یک شخص حقیقی تشریفات زیادی لازم است، ولی برای یک شرکت در شرف تأسیس به محض اولین مراجعه یک حساب باز می‌شود. ضمناً، مسأله، پرداخت صد هزار تومان هم نیست زیرا با آن مکانیسمی که برای تأسیس شرکت‌ها، با پرداخت ۳۵٪ از سرمایه اسمی وجود دارد، با ۳۵ هزار تومان هم می‌توان یک شرکت تأسیس نمود. «به هر حال این نصاب را تعیین کردند تا از تأسیس شرکت‌های بی‌هویت و بدون هدف جلوگیری گردد.» اگر بخواهیم امروز معادلی برای رقم صد هزار تومان سال چهل و هفت به دست بیاوریم، حدود پانزده هزار دلار می‌شود. پانزده هزار دلار را امروز از قرار هر دلار هشت صد و پنجاه تومان حساب بکنید

شاید حدود ده الی پانزده میلیون تومان حداقل سرمایه می‌شود که برای یک شرکت سهامی ضرورت دارد. و این از نظر من مقبول‌تر هم هست هم جلوی تأسیس آن شرکت‌های بی‌هویت را می‌گیرد و هم به آن هدف و فلسفه اساسی تأسیس و برقراری شرکت‌های سهامی کمک می‌کند. یعنی اینکه به هر حال یک سرمایه‌ای است که بتواند حرکت بکند در غیر این صورت «با صد هزار تومان سرمایه، حتی اجازه اولین ماه دفتر شرکت را هم نمی‌توان پرداخت نمود».

**دکتر اشتیاق:** در کشور ما در حال حاضر وضع به گونه‌ای است که مثلاً برای اخذ امتیاز یک خط تلفن یا ویزای کشوری خارجی، که می‌گویند باید نام شما به عنوان مدیر عامل یک شرکت در روزنامه رسمی درج شده باشد برخی اقدام به تأسیس شرکت می‌کنند. یعنی به نوعی به ابتذال کشیده شده، که برای تلفن، یک ویزا، کارهای خیلی جزئی، یک شخصیت حقوقی جدیدی در کشور متولد می‌شود که از ناحیه دولت به او اعطای شخصیت شده، در حالی که این شخصیت برای هیچ هدف معین و نفعی برای منافع کشور به وجود نیامده است و پس از انجام آن مراحل ممکن است شرکت منحل شود یا نشود. آیا فکر نمی‌کنید یکی از عوارض افزایش آمار ثبت شرکت‌های این‌چنینی این باشد که بسیاری از شرکت‌ها در بین شرکت‌های انبوهی که اصلاً ممکن است هیچ نوع فایده‌ای برای اقتصاد کشور نداشته باشند گم شده‌اند. لذا طبعاً این قدر بی‌ارزش شده است که بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند که حتی به صورت شخص حقیقی خیلی از کارهایشان را انجام بدهند یا به صورت مشارکت مدنی به انجام امور مبادرت ورزند، که بعداً به تبع خود مشکلات، دعاوی و بسیاری از عوارض دیگر حقوقی را به دنبال خواهد داشت، در حالی که اگر در قالب شرکت بودند چه بسا بسیاری از مشکلات و اختلافات بین شرکا پیش نمی‌آمد، وضعیت مالیات این‌گونه نبود و عوارضی از این دست.

**دکتر اسلامی پناه:** برای تکمیل بحث این سؤال مطرح است که امروزه بین سرمایه اسمی، و سرمایه واقعی شرکت فاصله وجود دارد. یعنی ممکن است امروز

سرمایه اسمی شرکت صد هزار تومان باشد ولی واقعاً در این شرکت صد میلیون تومان سرمایه وجود داشته باشد. در اینجا چه آثار حقوقی بر آن مترتب است.

**دکتر اخلاقی:** آثار حقوقی مترتب بر میزان سرمایه شرکت و همچنین اهمیت این سرمایه از دو باب قابل بررسی است. یکی اینکه بعضی می‌گویند اصلاً سرمایه اسمی شرکت مطرح نیست. یک شرکتی احتمال دارد با همین صد هزار تومان (حداقل) تشکیل بشود، ولی در طول زمان به علت فعالیتش، حسن اعتبار و نام تجاری‌اش عملکرد تجاری آن به مراتب بالا باشد. مثال آن بعضی شرکت‌های خدماتی نام‌آور هستند و بعضی شرکت‌های تجاری مثل بانک‌ها، که سرمایه اسمی‌شان رقمی است ولی سرمایه‌ای که طی پنجاه سال درست کرده‌اند دارای ارزش عظیمی است و سود سهامی که می‌پردازند فوق‌العاده است. بنابراین ضمن اینکه سرمایه اسمی ممکن است تأثیری نداشته باشد و آنچه که مهم است همان سرمایه رسمی است، ولی در عین حال این سرمایه اسمی یک آثاری هم دارد. مثلاً مؤسسات اعتباری، بانک‌ها، بدون اینکه زیاد وارد جزئیات قضایا شوند اول می‌پرسند سرمایه شرکت‌تان چقدر است. یا مثلاً در بسیاری از شرکت‌های سهامی خارجی، یک حداقل سرمایه‌ای وجود دارد برای ورود به بازار بورس، زیرا شرکت‌ها به عنوان سلول‌های اقتصادی نقش حیاتی در تولید و اشتغال دارند. کسانی می‌توانند وارد بورس شوند که نشان دهند یک حداقل سرمایه‌ای دارند یا اگر آن حداقل را ندارند نشان دهند در وضعیتی هستند که می‌توانند بدان حداقل برسند. در ایران هم به این ترتیب عمل کرده‌اند که مثلاً سازمان بورس تهران گفته است که شرکت‌هایی را می‌پذیرد (پذیرش سهام می‌کند) که برخی مشخصات را داشته باشند، اولین آنها سرمایه است و بعد هم اگر سرمایه‌اش بالا باشد ولی بدهی‌هایش زیاد باشد می‌گوید پذیرش مشروط صورت می‌گیرد یعنی شرکت وارد بورس و لیست شرکت‌های پذیرفته شده می‌شود ولی این قید، زمانی از بین می‌رود که در واقع بدهی‌ها را به حدی برساند که بتواند در بازار بورس سهام معامله بشود.

**دکتر عرفانی:** در کشورهای صنعتی مانند آمریکا، ژاپن یا کشورهای دیگر، در واقع آن سرمایه اولیه با واقعیت اقتصادی تطبیق می‌کند و همین باعث جلب اعتماد مردم برای سرمایه‌گذاری است. در کشور ما آنچه در واقع هست و آنچه در ظاهر هست خیلی فرق دارد و مردم هم اعتماد نمی‌کنند و سرمایه‌ها به طرف مواردی که در واقع در کشور نقش اقتصادی ندارد می‌روند. اما یک قسمتی هم شرکت‌های دولتی داریم، شرکت‌های دولتی هم مشکل بزرگی است. اولاً شکل حقوقی روشنی ندارند، دولتی، نیمه دولتی، وابسته، تحت پوشش. بنابراین شرکت‌های خصوصی نمی‌توانند فعالیت کنند و این مبهم بودن نقش مقررات حقوقی شرکت‌های دولتی و یا نیمه دولتی و وابسته حتی مورد اعتراض بانک جهانی هم قرار گرفته، که وضعیت حقوقی شرکت‌های شما چگونه است؟ الان شرکت‌هایی که جوینت می‌شوند به صورت joint venture تشکیل می‌شوند برای این است که بتوانند در بازار رقابت بین‌المللی فعالیت بکنند و محصولات خود را عرضه کنند. تا شرکت‌های دولتی، نیمه دولتی و وابسته و تحت پوشش وضعیتشان روشن نشده خیلی مشکل است که بتوانیم به آنها تحرک بدهیم. من بعد از دو سال تحقیق در مورد کشور خودمان نمی‌توانم به روشنی بگویم که شرکت وابسته چه وضعیت حقوقی‌ای دارد.

**آقای مصباح اسکویی:** در کشور ما، عملاً شرکت با یک سرمایه کم (حتی با پرداخت ۳۵٪ سرمایه) تأسیس می‌شود ولی چون از ابتدا مؤسسين می‌دانند که این سرمایه وافی به مقصود نخواهد بود از طریق وام شرکا سرمایه و رقم مورد نیاز خودشان را تأمین می‌کنند. وقتی که برای گرفتن وام به بانک مراجعه می‌شود، اولین نگاه بانک به میزان سرمایه اسمی است ولی بانک می‌گوید این وام را نمی‌توانیم بدهیم و باید سرمایه شرکت به دو‌یست میلیون تومان برسد. اینجاست که شرکا از همان محل مطالبات شرکا، (مطالبات حال شده) افزایش سرمایه می‌دهد. در نتیجه، امر جدیدی در داخل شرکت اتفاق نیفتاده، همان سرمایه در گردش که قبلاً وجود داشته همان است، منتها از دفاتر مطالبات شرکا خارج می‌شود و به صورت سرمایه ثبت می‌شود. اما چرا مؤسسين علاقه‌مندند که شرکت را با سرمایه اسمی کمتری

تأسیس کنند؟ اولین مطلب بحث مالیاتی قضیه است. ممیز مالیاتی هم وقتی می‌خواهد مالیات یک شرکت را تشخیص بدهد، اول محاسبه می‌کند که سرمایه شرکت چقدر است. اگر بداند که سرمایه شرکت یک میلیارد یا پانصد میلیون تومان است مطمئناً بر مبنای یک فاکتور مهم که سرمایه اسمی و اولیه آن شرکت است، در تعیین میزان مالیات پرداختنی یک شرکت اثر می‌گذارد و نتیجتاً شرکت‌ها برای اینکه خود را از این آفت دور نگه دارند علاقه‌مند هستند میزان سرمایه خود را در حداقل نگه دارند. این مطلب تا قبل از قانون جدید مالیات وجود داشت. خوشبختانه در قانون جدید مالیات این مانع یک مقدار حذف شد. سابقاً با آن ضرائب چه بسا مالیات به ۶۰٪ یا ۶۵٪ سود سالانه می‌رسید. امروز پس از آن معافیت‌ها و طی مراحل و مدارج مندرج در جدول مالیاتی به صورت مقطوع ۲۵٪ سود مالیات تعیین می‌شود و نتیجتاً سهامدار یا مؤسس تا حدی آسوده خاطر است.

وزارت دارایی یک معیارهایی را هم به دست داده است به این ترتیب که، شرکت‌هایی که فروش سالانه آنها از هشتصد میلیون تومان بیشتر باشد یا جمع پیمان‌های منعقد شده آنها از هشتصد میلیون تومان تجاوز نماید و یا شرکت‌هایی که جمع دارایی آنها از شانزده میلیون بیشتر باشد مکلفند از بازرسانی که هر سال از طرف وزارت دارایی معرفی خواهد شد به عنوان بازرس قانونی استفاده کنند و گزارشی که این بازرسان برای این نوع شرکت‌ها خواهند داد از نظر ممیز مالیاتی تحت شرایطی به عنوان یک مدرک قابل قبول تلقی می‌شود، یعنی آن اظهارنامه‌اش بدون بررسی پذیرفته خواهد شد. این هم باز یک نکته مثبتی است که بتوانند شرکت‌ها را از آن راه انحرافی اولیه باز دارند.

#### **دکتر اشتیاق:** در حال حاضر، در ادارات حقوقی بعضی از بانک‌ها رایج شده که

وقتی می‌خواهند به شرکتی وام دهند از یکایک شرکا امضاء می‌گیرند که منفرداً و متفقاً و متضامناً نسبت به پرداخت کلیه دیون شرکت ضامن و سهام هستند. با توجه به محدود بودن مسؤلیت سهامداران به مبلغ اسمی سهام آنها، این رویه از نظر شما رویه قابل قبولی هست؟



**آقای مصباح اسکویی:** این رویه در بانک‌ها رایج است، آن جایی که مدیران، صاحبان سهام و شرکا را مجبور به امضای آن فرم می‌کند، از حدودی که قانون تجارت تعیین کرده خارج می‌شود. آنجا مرزی است که دیگر از آن به بعد افراد را به اعتبار سهامدار خارج کرده، به عنوان اینکه اموال شخصی او هم در کنار دارایی شرکت جوابگوی بدهی‌های شرکت خواهد شد متضامناً مسؤول کرده است. این امر ورود به عرصه قراردادی دیگری است که از طبیعت حقوق تجارت و سهام خارج است.

**دکتر اشتیاق:** چرا بانک‌ها و ادار به این رویه شدند. چه نقصی در کار بوده که از حقوق تجارت باید خارج بشویم و به یک عادت جدید متوسل شده و از قواعد دیگر استفاده نکنیم؟ به عبارت دیگر حقوق تجارت ما جوابگوی چه مشکلی نبوده که بانک‌ها ناچار شدند در روابط تجاری از قواعد دیگری استفاده نکنند؟

**آقای مصباح اسکویی:** فاصله بین ارزش اسمی و ارزش واقعی یک چیز طبیعی است. باید وجود داشته باشد و در تمام دنیا هم وجود دارد. و این از نشانه‌های مثبت یا منفی بودن فعالیت تجاری و موضوع شرکت است. اگر شرکتی فعالیت خوبی داشته و آخر سال بیلان خوبی و سود بالایی داده است، بدیهی است که این ارزش واقعی سهامش باید بالا برود. منتها بانک‌ها برای اینکه وثیقه مناسبی بگیرند و از وصول مطالباتشان در آینده مطمئن باشند، به این راه کشانده شده‌اند. البته متأسفانه رویه‌های نامطلوب دیگری هم دارند، مثلاً برای یک وام وثیقه ملکی گرفته‌اند، تضمین شخصی شرکا را گرفته‌اند، گاه به مبلغ دو برابر وام اعطائی، بدون رسید بدون درج در دفاتر چک گرفته‌اند و متأسفانه عملاً هم دیده شده که برای وصول آن طلب، از هر کدام از این وثائق استفاده کرده‌اند. من فکر می‌کنم لازم است که دستگاه قضائی ما هم این نکته را به عنوان یک نقطه فساد و یک سوءاستفاده تلقی کند و نگوید که بانک هست و حقوق دولت است و حقوق مردم است.

**دکتر عرفانی:** سیستم بازرسی در شرکت‌ها از اول معیوب بوده است. یعنی در شرکت سهامی عام متعلق به بخش خصوصی یک آئین‌نامه از سال ۱۳۴۹ وجود داشت که بازرس باید دارای مدرک لیسانس و پنج سال تجربه باشد، ولی الان حدود سی و پنج سال است که این آئین‌نامه اجراء نمی‌شود. بنابراین می‌توان هر کسی را به عنوان بازرس انتخاب و تحت فرمان کرد.

**دکتر اسلامی پناه:** چرا در بسیاری از کشورها تلاش بر این است که مؤسسان و سهامداران به بالا بردن سرمایه اسمی شرکت‌ها تشویق شوند؟

**دکتر اخلاقی:** ما در اینجا می‌رسیم به بازار پول و سرمایه که یک واقعیتی است. ساختار شرکت‌های سهامی ما در مجموع یک ساختار متناسبی است، از فرانسه گرفته شده و مسأله خاصی ندارد. مشکل ما در رابطه با حداقل سرمایه و نحوه افزایش و عمر متوسط شرکت‌ها، تا حد زیادی مربوط می‌شود به بازار پول و سرمایه. بازار پول و سرمایه یعنی بازار اوراق بهادار و بازار بورس سهام که در ایران به تدریج جا می‌افتد. در بازار پول و سرمایه، افزایش سرمایه شرکت‌ها نقش مهمی را ایفاء می‌کند. زیرا شرکت‌ها می‌خواهند با افزایش سرمایه خودشان تلاش کنند اولاً وارد بازار سرمایه بشوند و ثانیاً در صورت ورود جایشان را در بازار سرمایه گسترش بدهند. در ایران به اعتبار اینکه هنوز بازار پول رسمیت ندارد بازار اوراق سهام هم هنوز آن‌طور که باید و شاید پا نگرفته است بنابراین رغبتی به افزایش سرمایه شرکت وجود ندارد، مگر تعداد معدودی از شرکت‌ها که متوجه شدند الان بازار مشتقات و بازار بورس سهام به تدریج در حال پاگرفتن است. مردم هم الان به جای آنکه بروند در بانک‌ها پول بگذارند به سراغ خرید سهام می‌روند. این در واقع تشویقی است برای جذب مردم به شرکت‌ها و برای شرکت‌ها در جذب سرمایه.

**دکتر اسلامی پناه:** در حال حاضر، انگیزه‌ای برای کم بودن، ثابت نگاه داشتن و پائین نگاه داشتن سرمایه، وجود دارد. اما چه انگیزه‌ای وجود دارد که شرکت‌ها

تشویق شوند که میزان سرمایه اولیه خود را بیشتر کنند؟

**دکتر عرفانی:** به نظر من خود سرمایه مالیات ندارد. مالیات بر درآمد تعلق می‌گیرد. شرکت‌ها باید در سال مالی بر اساس دفتر روزنامه و دفتر کل ترانزنامه تنظیم بکنند. دارایی‌های ثابت، در گردش، صندوق، استهلاکات، ... سرمایه، اوراق قرضه، اوراق مشارکت، سهام و حساب سود و زیان را بنویسند، و بعداً اظهارنامه مالیاتی را به موقع تقدیم کنند. اگر درآمدی داشت، طبق قانون جدید ۱۳۸۰، ۲۵٪ مالیات بر شرکت‌ها منظور می‌شود. معمولاً از درآمد کل استهلاکات، هزینه‌ها، زیان سنواتی، اندوخته قانونی، اندوخته اختیاری را کم می‌کنند. آن مالیات ۲۵٪ می‌شود سود ویژه.

**دکتر اخلاقی:** ما بازارمان هنوز یک بازار سنتی است و در این بیست و پنج سال اخیر همچنان بازار ما بسته و سنتی مانده است و با مفاهیم بازار پول و سرمایه آشنا نیست. یکی از نتایجش این است که شرکت‌های ایرانی به جای اینکه افتخار کنند که درآمد دارند و از این افتخارشان در بازار بورس استفاده کنند، از بیم مالیات خودشان را ضعیف و متضرر معرفی می‌کنند و نمی‌دانند تالی فاسد آن چیست. در واقع یکی از موانع بزرگ افزایش سرمایه در شرکت‌ها این توهم و تصور بود که احتمالاً بار مالیاتی دارد. یکی از علل عدم رشد و پیشرفت شرکت‌های ایرانی علل مالیاتی بود. خوشبختانه کمیسیون مالیاتی مجلس ششم زحمت کشید تا این مسأله مالیاتی شرکت‌ها را جا انداخت، یعنی یک مالیات ثابت. بنابراین نگرانی‌هایی که برای افزایش سرمایه وجود داشت از بین رفت. پس اکنون دلایل مالیاتی به هیچ وجه مطرح نیست بلکه نگرانی‌های دیگری وجود دارد، و آن عبارت از این است که بالاخره هر شرکتی که فعالیت می‌کند باید به تناسب درآمدی که دارد سود بدهد. بنابراین اگر شرکتی می‌خواهد از مزایای ارزش سهامش بهره‌مند شود باید افتخار کند که سود می‌دهد، و به تبع آن مالیات می‌پردازد. بنابراین در شرکت‌های خارجی، افزایش سرمایه باز کردن درها به روی بازار سرمایه و نوعی ایجاد تحرک است. به عبارت دیگر برای تحکیم موقعیت شرکت و نشان دادن فعالیت آن و اینکه شرکت اشتغال و

درآمد ایجاد می‌کند تمایل دارند افزایش سرمایه بدهند و هر مقررات بازدارنده برای افزایش سرمایه محکوم است. برخی این ایراد را الان به بازار بورس و سهام ایران وارد می‌آورند و می‌گویند چرا شرکت‌هایی که در بورس پذیرفته شده‌اند مخصوصاً در مورد فلزات، افزایش سرمایه‌شان منوط به تصویب دبیرکل است، افزایش سرمایه را باید آزاد گذاشته شود تا تشویق بشوند افزایش بدهند. منتها گویی سوءاستفاده شده و برخی برای اینکه در بورس خود را بزرگ نشان دهند سرمایه صوری خود را افزایش می‌دهند که واقعی نیست. علت اینکه ما نتوانستیم در این زمینه پیش برویم چند چیز است: ۱- شرایطی را که سایر کشورها دارند فاقدیم. این شرایط چیست؟ فضای قانونی کافی وجود ندارد، دو سال است که پیش‌نویس قانون اوراق بهادار نوشته شده و الان مانده است که تصویب بشود. این یک کمک بزرگی است به شناسایی رسمی بازار سرمایه و پول در ایران که می‌تواند فضای قانونی را فراهم بکند. ۲- لازم است بر فعالیت شرکت‌ها نظارت بشود که اگر شرکتی واقعاً شفاف عمل بکند درست عمل بکند تکلیفش روشن بشود، دیگری هم که پنهان‌کاری می‌کند آن هم تکلیفش روشن باشد. این نظارت، مکانیسم می‌خواهد که ما نداریم. ۳- ما باید یک توانایی‌هایی برای شرکت‌های سهامی خودمان، چه عام و چه خاص، برای جذب سرمایه ایجاد کنیم. تمام شرکت‌های خارجی دارند مهارت پیدا می‌کنند که چگونه جذب سرمایه بکنند. شرکت‌های ایرانی هنوز نمی‌دانند که چگونه جذب سرمایه بکنند. و به علاوه نکته‌ای هم خیلی مهم است فرهنگ سرمایه در ایران هنوز جا نیفتاده است. امروزه از صبح تا غروب رادیو تبلیغ بانک‌های مختلف را می‌کند. ولی یک مورد دیده نشده که بیاید بگوید بورس فلان شرکت آنقدر افزایش پیدا کرده بروید در آنجا سرمایه‌گذاری بکنید. مردم هم سرگردان می‌گویند من این پول‌ها را چگونه پنهان کنم. خوب ببرم در این بانک که می‌گوید من ۲۱٪ آن دیگری می‌گوید ۲٪ بیشتر، سپرده‌گذاری کنم. و این چیزی جز ضعف فرهنگ بازار سرمایه نیست که ما باید این پول‌ها و سرمایه‌های سرگردان را به طرف شرکت‌ها روانه کنیم. ما باید بازار بورس را بشناسانیم و مردم به جای بانک‌ها بروند در بازار بورس سهام بخرند، رقابت بین شرکت‌ها ایجاد بشود و این سرمایه‌گذاری‌ها افزایش پیدا بکند.

**دکتر عرفانی:** برای تشویق به افزایش سرمایه قبل از هر چیز مکانیسم حقوقی لازم است که عبارت است از قانون تجارت و قوانین بورس اوراق بهادار تا این اعتماد را در مردم ایجاد بکنند که وقتی پولی می‌دهند آن پول نه تنها سقوط نمی‌کند بلکه سودآور هم هست. در اروپا هم بالاترین سود را سهام می‌دهد. زیرا در طول صد سال مدیریت قوی در شرکت‌ها، قوانین حمایت‌کننده، مالیات متناسب، موجب شده که مردم به سرمایه‌گذاری اعتماد کنند، چون بازار رقابتی است، بازار آزاد رقابت و شرکت‌های خارجی به خودی خود تشویق می‌شوند. در ایران تشویق باید از طرف اعتماد مردم باشد و اصولاً باید بورس اوراق بهادار هم مکانیسمی داشته باشد که مردم هم اعتماد کنند. حالا موقتاً رونق دارد و ممکن است فردا بحران بشود و سهام ۵۰٪ سقوط کند. این مکانیسم بورسی که فعلاً ما داریم با معیارهای بورس دنیا تطبیق نمی‌کند.

**دکتر اشتیاق:** در قانون مالیات‌های مستقیم آمده است که چنانچه شرکت‌ها از درآمدهای خودشان صرف ایجاد طرح‌های توسعه یا آموزشی بکنند، مشمول بخشودگی‌های مالیاتی می‌شوند. شنیده شده که در بعضی کشورها این قاعده راجع به افزایش سرمایه هم جاری هست و مثلاً در سنگاپور اگر در شرکتی سهامداران در مجمع تصمیم بگیرند که سود را تقسیم نکنند بلکه با همان سود افزایش سرمایه بدهند این موجب بخشودگی‌های مالیاتی می‌گردد و خود به خود سهامداران تشویق به افزایش سرمایه می‌شوند چون به هر صورت درست است که سود را وصول نکرده‌اند ولی دارایی‌شان افزایش پیدا کرده است.

**دکتر اسلامی پناه:** به عنوان سؤال پایانی، بر اساس گفته برخی پژوهشگران که می‌گویند میانگین عمر یک شرکت در ایران کمتر از میانگین عمر یک شرکت در کشورهای توسعه‌یافته است، آیا عدم تشویق به سرمایه‌گذاری و افزایش سرمایه یکی از دلایل پائین آمدن عمر شرکت‌ها در ایران است؟

**دکتر اخلاقی:** میانگین عمر شرکت‌های تجاری در کشورهای پیشرفته واقعاً یکی از شگفت‌آورترین پدیده‌های اقتصادی است چون در آنجا شرکت‌هایی وجود دارد که عمرشان به بالای صد می‌رسد. چرا؟ چون همیشه در بازار سرمایه و پول فعال بودند و حضور داشتند و سعی کردند تا می‌توانند سودآوری داشته باشند و جذب سرمایه کنند و بزرگ بشوند و حضور بیشتری داشته باشند و برای حضور قدرتمند در صحنه تجارت بین‌المللی با شرکت‌های دیگر ادغام شده‌اند. در کشورهای توسعه‌یافته، زمینه و بستر رشد اینها فراهم است، قانون شفافی وجود دارد، نظارت، شایسته‌سالاری و مدیریت درست وجود دارد و بازار پول و سرمایه حمایت می‌شود. بنده عمر متوسط شرکت‌ها را به قدرت آن شرکت و آن کشور مربوط می‌دانم. در اقتصاد جهان، کشورهای قدرتمند وجود دارد. یعنی معیارهایی برای کشورهای قدرتمند وجود دارد. می‌گویند یک کشور قدرتمند کشوری است که از نظر پتانسیل اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، استراتژیکی، منابع طبیعی، نیروی انسانی و فرهنگی قوی باشد. ولی صرف داشتن این عوامل به تنهایی کافی نیست در عین حال ترکیب اینها با یک مدیریت و شایسته‌سالاری هم مطرح می‌شود که چگونه اینها را جمع کنیم و راه بیندازیم. بنابراین شرکت‌ها تا این بستر لازم برایشان فراهم نباشد به نظر من قدرتمند نمی‌شوند. اینها سلول‌های اقتصادی هستند که کشور را تقویت می‌کنند. این سلول‌های اقتصادی به چند چیز احتیاج دارند: ۱. قانون؛ ما هنوز ساختار قانونی برای فعالیت شرکت‌های تجاری در قالب بازار پول و سرمایه نداریم ولی در جریان است. ۲. ساختار مدیریتی؛ که هنوز ما مشکل داریم. در بالاترین سطوح تا پایین‌ترین آن افرادی را داریم که در جای خود نیستند. و ۳. عامل فرهنگ.

**دکتر عرفانی:** به نظر می‌رسد که اول باید با آموزش شروع کنیم یعنی بسیاری از مردم در ایران اطلاعات حقوقی‌شان تقریباً صفر است. باید آموزش بدهیم که شرکت چه هست، سهام چه هست و اسناد چیست. تلاش نشده به افراد آموزش داده بشود که شرکت سهامی عام چیست، ساختارش را هم نمی‌دانند و به همین دلیل مردم توجه هستند. یکی هم ضعف مدیریت است به عنوان اداره‌کننده شرکت‌ها و

ارگان بازرسی در شرکت‌ها.

**آقای مصباح اسکویی:** جواب من به این سؤال مطمئناً مثبت است. در مورد اینکه چه کار کنیم که سرمایه اسمی را به سرمایه واقعی نزدیک کنیم، (یعنی شرکت‌های کوچک را به اندازه واقعی خودشان نشان بدهیم) صحبت کردیم. ولی در این مملکت قدری بلندقدتر شدن از دیگران هم عوارضی دارد. آن عوارض را باید کم کنیم. در واقع آن موانع و عوارض منفی‌ای که ما به اشتباه برای سرمایه‌گذار درست کردیم (و به دنبال کلمه سرمایه‌گذار یک سری عناوین و اوصافی را می‌آوریم که سرمایه‌گذار به جای اینکه خود را یک سر و گردن از دیگران بالاتر نشان بدهد، سعی می‌کند سرش را خم بکند تا در میان مردم مخفی بشود و دیده نشود)، باید از بین برود، این عوامل هم از موانع افزایش سرمایه است.

\*\*\*\*\*

در خاتمه، «طرح اصلاح ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت راجع به سرمایه اسمی شرکت‌های سهامی» که توسط مدیر مسؤول مجله پژوهشهای حقوقی تهیه و پیشنهاد شده است، عیناً درج می‌گردد:

پروژه ماه نوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. III, NO. 1

2004-1

## Articles

- Integration of Islamic Countries and Specially Iran into International Legal-Economic System and its Challenges
- Public Hearing in the Light of International Instruments and National Law
- Judicial Interpretation of the Iranian Constitution and the Practice of the Administrative Court of Justice
- International Court of Justice and Advisory Opinion on Legal Consequences Arising from Construction of the Wall by Israel in the Occupied Palestinian Territory
- The New Resolution of the IAEA Board of Governors on Iran, An Assessment of the Respect for International Law
- Concept, Legal Nature and Formalities of Buy Back Investment Contracts
- The Protection of Patents in the World Trade Organization
- Methods of Restitution of Contractual Obligation Breach in the International Sales of Goods Convention
- The Prosecution of Senior State Officials in National Tribunals for International Crimes (Some Comments on the Congo v. Belgium Case)

## Special Issue : Insufficiencies of the Law of Companies in Iran

- Legal Aspects of Capital in Joint-Stock Companies (Round-table)
- The Necessity of Amendment of Iranian Commercial Code Concerning Minimum Capital of Joint-Stock Companies
- The Rights of Minority Shareholders in Merger or Consolidation of Corporations
- Control of the Activities of Directors by Governmental Agencies in English and Iranian Legal Systems
- Legal Formalities for Transfer of Shares in Joint-Stock Companies

## Critique and Presentation

- Reflections on UN Security Council Resolution 1559 on Lebanese Sovereignty and Withdrawal of Foreign Forces



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law  
Research & Study